هفته نامۀ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

والنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

سرمقاله

مسؤولیت سنگین انتخاب درست در انتخابات آینده

ص۲

ملیشه سازی، تجربه یی که تکرار می شود

ص۲

دور ششم – سال هفتم – شمارۀ بیست و نهم شنبه ۷ جدی ۱۳۸۷- ٢٦ ذوالحجه ١٤٢٩ - 3 January 2009

اعلامیۀ جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت

حملات وحشیانۀ اسرائیل به شهر غزۀ فلسطین



روز شنبه ۷ جدی نیروهای نظامی اسرائیل به حملات وحشیانه یی بر مناطقی از شهر غزه در فلسطین دست یازیدند که در پی این حملات صدها تن از غیر نظامیان و افراد عادی به شمول زنان و کودکان به شهادت رسیدند و محلات و خانه های شان ویران شد.

اسرائیل در حالی به این حملات وحشیانه برضد مردم فلسطین دست می زند که چندین ماه از محاصرۀ اقتصادی و غذایی غزه از سوی آن می گذرد، مردم مجاهد و مقاوم فلسطین در زمانی قربانی این حملات وحشیانۀ اسرائیل می شوند که ماه ها رنج بی غذایی و بی دارویی را تحمل کرده اند.

اسرائیل در انجام این جنایت بشری جز این که ادعا کند حماس آتش بس را نقض کرده است، دیگر بهانه یی ندارد. ادامه درص۵

اسرائیل در باتلاق غزه

واقف حکیمی

اسرائیل روز شنبه گذشته دست به حملات وحشیانه یی برضد فلسطینان در نوار غزه زد و تاکنون که بیش از یک هفته از آن می گذرد، ارتش اسرائیل به این وحشی گری ادامه می دهد. تاکنون حملات وحشیانۀ اسرائیل به نوار غزه بیش از ۴۰۰ شهید و بیش از ۱۰۰۰ مجروح از مردم بی دفاع غزه بر جای نهاده وبسیاری از مراکز خدمات اجتماعی آن را در طی بمباران های بی رحمانه به خاک یکسان کرده است.

اسرائیلیان در این حملات وحشیانه مخالف تمام ارزش های دینی و انسانی در همه فرهنگ ها همه چیزرا هدف نظامی قرار داده اند، آنان دراین جنگ وحشیانه فرقی میان مدرسه و دانشگاه و مسجد نمی کنند، در درهم کوبیدن پایگاه های امنیتی ومراکز حکومتی گویا به دلیل بستگی آن به حماس توجیهی برای این جنایات می یابند، اما هدف قرار دادن دانشگاه ها مدارس و بیمارستان ها جز اینکه از طبیعت ضد انسانی اسرائیل پرده بردارد توجیهی نمی توان برای آن دریافت. و یکی از مسؤولان اسرائیلی که نخواسته نامش فاش شود گفته است:"اسرائیل با تمام نیرو مساجد غزه را هدف قرار خواهد داد" برای آنکه به پنداراو این مساجد مراکز حماس است.

اسرائیل پس از آنکه همه توان خود را در مهارکردن حماس از راه فشارهای سیاسی، دپلوماسی و یاری جستن از حامیانش درسطح جهان ومنطقه به کار برد و به ناکامی مواجه شده است به این حملات دست زده است. اسرائیل می خواهد با قتل عام مردم غزه اراده مقاومت و ستیزه جویی فلسطینان را در آزادسازی سرزمین های اشغال شده تضعیف کند و روحیه شکست خوردۀ ارتش اسرائیل و معنویات درهم ریخته مردم اسرائیل را در ادامه جنگ ادامه در ص ۵



عاشورای کربلا و محرم غزه

و اما محرم غزه ازطریق رسانه های تصویری آزاد دربرابر وجدان های بیدار انسانی به نمایش گذاشته می شود، تصویری است ازحق جویی های که یک ملت بیدفاع ومظلوم دربرابر تجاوزهای اسرائیل و حامیان آن.

ص۵

تغییر؛ پدیده یی که به آن اعتماد داشته باشیم

امروز که کشور ما زیر چتر حمایت وپشتیبانی جهانیان قرار دارد، مردم جداً خوهان آن می باشند تا متعاقب گزینش زعامت آینده کشور، دسایس و معامله گری های کنونی تکرار نشود، معامله گری ها وفتنه آفرینی هایی که به وضوح دیده می شود.

ص۶

د فلسطین په بې دفاع ولس پر له پسې بمبارۍ او د نړیوالو مرگونې چوپتیا

شفیق



یوه اونۍ کیږي چې د فلسطین د فلسطین خاورې د "غزې" په تړانګه د تاریخي جنایتکارو اسرائیلو د بې رحمانه بمبارۍ لړۍ روانه ده، او د حماس له اسلامي غورځنګ څخه .چې د فلسطین خلکو ورته د دموکراسۍ له اصولو سره سم. خپل واک سپارلی وُ د غچ اخستلو په منظور. تر دې دمه. نږدې څلور سوه بې ګناه فلسطینیان شهیدان کړي او دوو زرو په شاوخوا کې یې زخمیان کړي دي. چې د دغه تلفاتو د ډېره شمېره عام وګړي: ښځې. واړه او بوډاګان تشکیلوي. په دې ترڅ کې لااسرائیل دا ګواښ هم کوي چې خپل پلي پوځونه به هم ډېر زر د غزې تړانګې ته ور ننباسي. خو د بشر د حقوقو د تش په نامه پلویانو عکس العمل بیا همدومره دی چې باید جګړه ودرېږي او اسرائیل دې بمبارۍ بنده کړي.

د نړۍ پرمخ له ټولو ستر ترهګر هېواد "امریکا" وایي چې اسرائیل له خپل ځان څخه د دفاع په منظور د بمبارۍ (دا دول وحشیانه اعمالو) حق لري: له لویدیځې نړۍ څخه او په ځانګړې توګه له امریکا څخه خو د فلسطین د خلکو په ګټه د هېڅ ډول غږ ضمع نشته: پاتې پر۷مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ١٣۵٧ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ٠٧٠٢٨۵١٣٩ و ٠٧٠٨٨٢٧٨٩٠
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

مسؤولیت سنگین انتخاب درست در انتخابات آینده

چند روز قبل یکی از نامزدان ریاست جمهوری آینده در یک مصاحبه مطبوعاتی، با انتقادات تندی مورد حمله قرار داد و آن را یکی ازپنج فاسدترین حکومت های جهان خواند.

سخنگوی رئیس جمهور با رد سخنان وی موصوف را یکی از طراحان نظام کنونی افغانستان دانست و افزود چون وی در ایجاد نهادهای این حکومت یکی از تصمیم گیرندگان مهم بود، در شکست و یا کامیابی آن سهیم می باشد.

فکر می شود با نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات، نخستین رویا روی های انتخاباتی به راه افتیده است. در این رویا رویی دولت آقای کرزی در یک جانب قرار می گیرد. وی مطمئنا برای ادامهٔ قدرت به دفاع از حکومت خویش می پردازد، طرفداران و سخنگویان حکومت که به سرمایه ها و امتیازات افسانهٔ دست یافته و توانسته اند، همهٔ نا محرمان را از قدرت کنار بزنند. با هیاهو تلاش خواهند کرد. حکومت خویش را یکی از موفق ترین حکومت های تاریخ افغانستان و دوران طلایی در این سرزمین جلوه دهند.

نامزدان خارج از حاکمیت، انتقاد از حکومت را یکی از محورهای اصلی مبارزات انتخاباتی خویش قرار خواهندداد. بدون شک انها این امتیاز را خواهد داشت که در یافتن دلایل جهت حمله به حکومت اقای کرزی دچار مشکل نخواهند شد. با اندک تامل می توان ده ها مورد ناکامی و پهلوهای منفی حکومت را برسمرد. فساد گسترده در دستگاه حکومت، کشتار غیرنظامیان، نبود امنیت، بیکاری، فقر، دامن زدن به تفرقه و اختلافات قومی و ده ها مشکل دیگر که مردم عامل عمدهٔ آن ها را حکومت اقای کرزی می دانند.

اگرچه مبارزهٔ انتخاباتی حق نامزدان است، اما در کشورما، شمار آنانی که برای برحق دانستن خویشتن و حمله برمخالفان، خود را محتاج به یافتن دلیل و دستاویزنمی دانند زیاداست.

در این گیر و دار مبارزاتی که هر کس و ناکس، مس خویش را طلا حساب می کند. مسؤولیت رأی دهندگان برای انتخاب درست و کشف حقیقت اهمیت فراوان می یابد لازم است مردم دقت کافی داشته باشند، تا فریب ادعاها و شعارها را نخورند و مصالح واقعی و دراز مدت کشور را بشناسند و آن را انتخاب کنند.

انتخاب رئیس جمهور و نمایندهٔ شورای ملی، انتخاب بهترین قیافه و چهره و یا انتخاب شعار پرداز خوب نیست، انتخابات، پروسهٔ گزینش شخصی است که بهترین طرح ها و برنامه ها را برای حل بحران و مشکلات مردم داشته باشد، طرح هایی که صلح و آرامش و امنیت را تأمین کند، مشارکت ملی را تحقق بخشد، برای فقر و گرسنگی چاره و راه حل داشته باشد و برای ایجاد اشتغال و بهبودی اقتصادی بهترین طرح را ارائه نماید.

رئیس جمهور آیندهٔ افغانستان باید ضعف های ساختاری نظام کنونی افغانستان را که بستر مساعدی است برای سربلند کردن دکتاتور، درک نماید و متمایل و معتقد به تغییر آن باشد.

متأسفانه تا کنون کسانی که پرچم مبارزهٔ انتخاباتی را برافراشته و به کاخ ریاست جمهوری چشم دوخته اند، سخنان متفاوت از یکدیگر نگفته اند، هیچ کدام پیشنهادی برای اصلاح نقص های ساختاری نظام ارایه نداده است.

نامزدی که شدیدترین حمله را بر حکومت کرزی انجام داده، هنوز هم می گوید، برای افغانستان حکومت استبدادی به اصطلاح متمرکز، مناسب است. این حقیقت از چشم وی پنهان مانده است که یکی از عواملی که این حکومت را به قول او کثیف ساخته، نظام متمرکزی است که زمینهٔ سربلند کردن یک سلطان غیر مسؤول که همهٔ قدرت را در پنجه های آهنین خویش می گیرد مساعد نموده است، سلطانی مقتدری که قوهٔ اجرائیه، قضائیه و نهادهای اصلی دیگر نظام را تحت فرمان خویش می اوَرد و فیصله های پارلمان را نیز به پشیزی نمی خرد.

در چنین نظامی قوهٔ اجرایی از نظارت به دور می ماند و قانون شکنی ترویج می شود. آنچه که امروز اتفاق می افتد.

ملیشه سازی، تجربه یی که تکرار می شود



ابوبکر سبزوار

زمانیکه در عراق وضع بشدت بحرانی بود و هرروز موج حملات انتحاری موجب کشته ومجروح شدن دهها و حتی صد ها تن می شد، و هرروز چندین سرباز امریکائی هدف حمله قرار می گرفتند و کشته می شدند، امریکا در توافق با سران قبایل گروههای از ملیشه های قومی را غرض تامین امنیت به میان آورد و سلاح و پول در اختیار آنان قرار داد. این کار پس از آن صورت گرفت که نیروهای امریکائی از تامین امن ونظم در عراق عاجز ماندند.

تجربهء ملیشه سازی در عراق این تصور را در میان نظامیان امریکا بوجود آورد که می توان این تجربه را در افغانستان نیز بکار گرفت و به نتایج حاصله در عراق دست یافت در حالیکه در افغانستان امریکا نباید تجربه های حاصله از تجاوز خود به عراق را تکرار کند بلکه بهتر است به تجربهء تجاوز شوروی در افغانستان توجه نماید.

پس از اینکه در نتیجهء تجاوز اتحاد شوروی اردوی افغانستان تضعیف شد و تلاش برای سربازگیری به پناه بردن جوانان به کشور های خارجی منجر گردید، دولت و نیروهای اشغالگر به فکر استفاده از ملیشه های قومی برای دفاع از ولایات و ولسوالی ها شدند. این کار به تضعیف بیشتر اردو انجامید و ملیشه ها در ساختار سیاسی کشور نقش مهم یافتند و خطر آفرین شدند.

ملیشه یا اربکی

امریکائی ها برای اینکه کار خود را متفاوت از عملکرد های روسها نشان دهند ادعا کردند که قصد شان ملیشه سازی نیست بلکه می خواهند نیروهای اربکی بمیان بیاورند. آنها اعلام نمودند که نیروهای اربکی را در آنسوی دیورند و در مناطق قبایلی نیز بوجود خواهند آورد.

نخست باید به این مسئله توجه کرد که افغانستان عراق نیست و هرکشوری خصوصیات خاص خودش را دارد. اینکه در افغانستان، پاکستان و عراق قبایل وجود دارند به این معنی نیست که این قبایل همه دارای خصوصیات همسان اند.

اربکی را نمی توان ملیشه خواند. اربکی نیروئی است که از جانب قبایل برای مقاصد خاص مثلا نگهداری از یک جنگل یا جلوگیری از درگیری میان دو قوم ومسایلی از این قبیل بمیان می آید نه برای جنگ به نفع دولت یا خارجیان. سلاح و مصارف آنرا اقوام می پردازند و این نیرو رابطه ای با دولت ندارد.

قبایل در دو سوی دیورند برعکس قبایل در عراق در طول قرنها مستقل از سلطهء دولت ها مطابق به اصول نظام قبایلی خود زیسته اند در حالیکه قبایل در عراق همیشه در ادارهء دولت ها دارای نقش واثر بوده اند.

امکاناتی که برباد رفت

از آغاز حملهء امریکا به افغانستان و سرنگونی نظام طالبان، امریکا و متحدین این کشور در افغانستان تاکید بر جمع آوری سلاح از دست های غیر مسئول داشتند. در برنامه های دی دی آر و دایاک که برای جمع آوری سلاح روی دست گرفته شد صدها ملیون دالر به مصرف رسید. تبلیغات پر سروصدای آن بخش مهمی از اخبار رسانه ها را بخود اختصاص داده بود. مسئولین امر در مصاحبه های شان بارها بر این نکته تاکید داشتند که تا اسلحه از دست افراد غیر مسئول گرفته نشود امنیت در افغانستان حکمفرما نخواهد شد.

> **ملیشه ها در مقایسه با سربازان اردو و پولیس کمتر مجبور به رعایت نظم و دسپلین اند و از آزادی های بسیار بیشتر برخوردار اند. این امتیاز برای نیروهای ملیشه می تواند ترک خدمت از اردو و پولیس را بیشتر کند.**
>
> **نکتهء دیگر اینکه ملیشه سازی موجب این احساس در پرسونل اردو و پولیس می شود که آنها در تامین امنیت موثر نبوده اند و در نتیجه روحیهء آنان در مقابله با مخالفین تضعیف می شود.**
>
> ❊ ❊ ❊
>
> **تاکنون ناامنی ها بیشتر در مناطق جنوب و جنوب غرب متمرکز بوده است. وقتی در نتیجهء ملیشه سازی مردم در این مناطق مسلح شوند در میان مردم مناطق شمال کشور که سلاح های خود را تحویل داده اند احساس ناامنی بوجود خواهد آمد.**

مبارزه با تفنگ سالاری از شعارهائی بود که بعنوان یک هدف مطرح شد وفشار بیشتر روی مجاهدین بود که باید خلع سلاح شوند. این کار در بخش بزرگی از افغانستان بنام عملیه منکی سازی تطبیق شد ما اکنون به نظر می رسد که مصارف در این بخش همه بیجا بوده و به هدر رفته است. اکنون بنام اربکی افراد مسلح می شوند و بدبختانه افرادی توسط نیروهای خارجی تاکنون جذب این پروسه شده اند که در ولایات خود شان بدنام ترین چهره ها بوده اند.

جایزه بخاطر ناامنی ها

به نظر می رسد که این پروسه نخست در ولایاتی روی دست گرفته می شود که نا امنی ها در آن بیشتر است. این کار را می توان دادن امتیازی بخاطر ناامنی بشمار آورد. در شرایطی که در کشور بیکاری بیداد می کند، استخدام ملیشه ها می تواند فرصت مساعد برای استخدام بیکاران در ولایات ناامن باشد. آیا چنین جایزه نمی تواند موجب تشویق ناامنی در ولایات امن تر باشد؟

اگر کسانی از مناطق امن استخدام گردیده و به مناطق ناامن برده شود، این مسئله موجب تنش های قومی و منطقوی خواهد شد.

تضعیف اردو و پولیس

ملیشه ها در مقایسه با سربازان اردو و پولیس کمتر مجبور به رعایت نظم و دسپلین اند و از آزادی های بسیار بیشتر برخوردار اند. این امتیاز برای نیروهای ملیشه می تواند ترک خدمت از اردو و پولیس را بیشتر کند.

نکتهء دیگر اینکه ملیشه سازی موجب این احساس در پرسونل اردو و پولیس می شود که آنها در تامین امنیت موثر نبوده اند و در نتیجه روحیهء آنان در مقابله با مخالفین تضعیف می شود.

دامن زدن به تنش های قومی

تاکنون ناامنی ها بیشتر در مناطق جنوب و جنوب غرب متمرکز بوده است. وقتی در نتیجهء ملیشه سازی مردم در این مناطق مسلح شوند در میان مردم مناطق شمال کشور که سلاح های خود را تحویل داده اند احساس ناامنی بوجود خواهد آمد.

هرچند سفیر امریکا در مصاحبه ای با رسانه ها گفت که آنها کسی را مسلح نخواهند کرد اما قرار اطلاع این کار قبلا صورت گرفته و حتی قرار بوده که در ولایت میدان وردک آغاز گردد.

اگر امریکائی ها می خواهند از تجارب عراق در افغانستان استفاده کنند، تجربه های بهتری وجود دارد. وقتی امریکا و متحدینش اعلام نمودند که قصد دارند عراق را ترک نمایند و زمان این خروج نیز تعیین شد، در تمایل به خشونت ها کاهش بعمل آمد زیرا بسیاری از مردم عراق دانستند که دوران اشغال بزودی به پایان خواهد رسید و دلیلی بر خشونت ها ویرانی های بیشتر وجود ندارد. چه وقت زمان تطبیق این تجربهء موفق در افغانستان فرا خواهد رسید؟

از کربلا تا غزه

وحید مژده



واقعهء جانگداز کربلا دارای ابعاد مختلف است. در طول قرنها در این مورد زیاد گفته و نوشته شده و ابعاد مختلف این قیام به بررسی گرفته شده است. بررسی این قیام در بعد سیاسی، بصورت عجیبی مارا به مصداق های عملی شبیه به آن واقعهء المناک در جهان معاصر می رساند.

می دانیم که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) جهان اسلام دچار آشوبی بزرگ شد. عده ای از دادن زکات سر باز زدند و جمعی به الحاد و جاهلیت قدیم رو آوردند. پیامبران دروغینی در گوشه وکنار سربلند کردند، بت پرستی با چهرهء جدید جانی دوباره گرفت، بدعت های جدید بمیان آمد و چنین آشوبی حکومت نوپای اسلامی را به خطر مواجه ساخت.

این آشوب ها به معنی ضعف اسلام نبود اما دین اسلام هرقدر هم باقدرت می بود، برای ریشه دوانیدن در قلب های پیروانش نیاز و تعمیق این ریشه ها، نیاز به زمان داشت. اسلام جوان بود و آماج کین و دسایس دشمنان.

خلفای راشدین برای مقابله با این وضع تلاش های فراوان کردند و در نتیجهء جانفشانی های آنان سرانجام حاکمیت اسلام بر بخش بزرگی از جهان آنروز تامین شد اما با پایان گرفتن عصر خلافت راشده، انحرافاتی در روش حکومت آغاز شد که با خلافت راشده فرق کلی داشت یعنی خلافت به سلطنت مبدل گردید.

در این دور از حکومت، روش سادهء حکومت قبلی متروک شد. گارد محافظ و حاجب و دربان بمیان آمد و درب قصرها بروی عوام الناس بسته شد. بیت المال مسلمین ملک شخصی حاکمان به حساب آمد و دیگر حکام مجبور به حسابدهی به مردم نبودند. قانون بالای همه بصورت یکسان تطبیق نمی شد.

انحراف فقط در این عرصه منحصر نماند بلکه انحرافات اخلاقی نیز رواج فراوان یافت که طبقهء حاکمه خود مشوق آن در میان مردم بودند.

در چنین وضعی بود که حضرت امام حسین برای ایجاد تغییر در وضع و نجات اسلام قیام کرد. قیام وی بخاطر اقامهء امر بالمعروف و نهی از منکر و نجات اسلام از هجوم انحرافات بود. در ابتدا کسانی از کوفه به ایشان نامه فرستادند و از وی دعوت به رفتن به کوفه نمودند. امام یارانی را برای اطلاع از وضع به آنسو فرستاد و سرانجام تصمیم نهائی خود را برای رفتن به عراق علنی ساخت.

عده ای تلاش نمودند تا امام را از رفتن باز دارند که از آن جمله یکی عبدالله بن عباس (رض) و دیگری عبدالله بن زبیر(رض) بودند.

عبدالله بن عباس (رض) نزد امام رفت و از وی پرسید که ای پسر عمو آیا براستی قصد رفتن به کوفه داری؟ حضرت فرمود: بلی!

ابن عباس گفت ای حسین! از حرم مفارقت مکن و زمانی به کوفه برو که مردم کوفه حاکم اموی را از آن شهر برانند. عبدالله بن زبیر (رض) نیز عین خواهش را از امام نمود و توصیه کرد که اگر قصد قیام دارید، رهبری آن از سرزمین حرم نیز ممکن است و نیازی به رفتن به کوفه نیست که مردم آن شهر در عهد شکنی مشهور اند.

وقتی آندو، حضرت امام حسین را در رفتن به سفر مصمم یافتند بجای کوفه پیشنهاد رفتن به یمن را به ایشان نمودند و گفتند که یمن دارای قلعه های استوار و موقعیت خوب دفاعی است. در آنجا می توانید بر دولت اموی فشار وارد نمائید. اما امام این سخن را نیز نپذیرفتند.

در اخیر این خواهش را از حضرت امام حسین نمودند که اگر قصد رفتن داری عیال و فرزندان را با خود مبر اما امام در جواب فرمودند که همه با هم خواهیم رفت.

کاروان از مدینه براه افتاد در حالیکه با دلهای پر درد و چشم های اشکبار اهل مدینه بدرقه شد. کاروان پس از ساعتها طی طریق برای استراحت اطراق نمود. در این موقع کاروانی از سوی عراق که بسوی مدینه روان بود به این محل رسید. در این کاروان (بشر بن غالب اسدی) شامل بود که حضرت از وی پرسید: ای برادر اسدی! تو عراق را در چه حالت ترک کردی؟ بشر در جواب گفت:

قلوب آن جماعت با توست و شمشیر های شان با بنی امیه و فرمان خدای راست.

کاروان براه افتاد و در مسیر راه عراق به محلی بنام سفاح رسید و غرض استراحت متوقف شد. باز هم کاروانی از جانب مقابل آمد که در این کاروان فرزدق شاعر هم در قطار مسافران بود. امام از فرزدق پرسید:

عراق را چگونه پشت سر نهادی؟ فرزدق در جواب گفت: مردمی را ترک کردم که (قلوبهم معک و سیوفهم علیک). قلوب شان با تو بود و شمشیرهای شان علیه تو.

این سخن بسیار پر مفهوم است اما منظور این نیست که کسانی که به امام حسین وعدهء کمک داده بودند همانها بودند که برویش شمشیر کشیدند. شمشیر کنایه از نیروی حاکمه است نه عام مردم. منظور بشر بن غالب و فرزدق این بود که مردم با تو اند اما قدرت حاکمه علیه تو. اینکه ابن عباس به امام گفت که منتظر بمانید تا مردم کوفه والی اموی را از آن شهر بیرون برانند همین بود تا قلب ها وشمشیر ها باهم بپیوندند.

این حالت در طول قرنها بار ها تکرار شده و امروز هم ما مصداق های عملی آنرا در جهان شاهدیم. وقتی نیروهای اشغالگر صهیونیست برای نابود کردن حزب الله به لبنان حمله می برد و آنهمه تباهی ببار می آورد، زمامداران عرب خاموش اند. قلب های توده های عرب و جهان اسلام با حزب الله است و شمشیر های شان یعنی زمامداران آنان و امکانات و منابع آنان با رژیم غاصب اسرائیل. حتی مفتی های خود فروخته و مزدور علیه حزب الله فتوی می دهند تا شیعه و سنی را در برابر هم قرار دهند در حالیکه این موضعگیری های شرم آور آنان رابطه ای به مذهب و دین ندارد چنانچه امروز در حملهء اسرائیل به غزه، نقاب از چهرهء این حاکمان مزدور فرو می افتد و ثابت می شود که اصلا دشمنی آنها با مسلمانان است نه با اسرائیل.





اگر حزب الله یک حرکت شیعی است، جنبش حماس شاخهء فلسطینی سازمان اخوان المسلمین است ویک حرکت سنی است. این مسئله بر هیچکس پوشیده نیست. اما دلیل اینکه هزاران فلسطینی در نوار غزه شهید و مجروح می شوند و جهان عرب خاموش است چیست؟ چرا مصر مانند اسرائیل، غزه را تحت محاصره قرار می دهد؟ کاملا مشخص است که ماهیت اسلامی جنبش حماس در این رابطه نقش اساسی دارد.

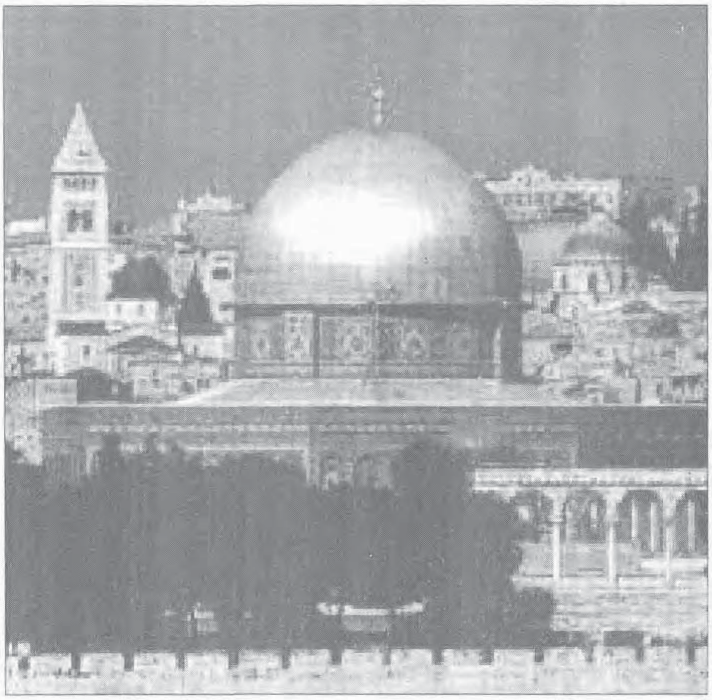
هرچند قلب های مسلمانان با حماس است اما شمشیر های مسلمانان یعنی نفت و منابع طبیعی آنان و موقعیت های سوق الجیشی آنان همه برضد حماس است.

این مصیبت زمانی پایان خواهد یافت که امت مسلمه والیان گماشته شده از جانب دشمن بر خویش را از شهر های شان بیرون کنند و خود حاکم برسرنوشت خویش گردند.

اگر مسلمانان فقط به مخالفت قلبی از صهیونیسم و حامیان بین المللی آنان اکتفا کنند و شمشیر های شان همچنان در اختیار دشمنان باشد، ما شاهد کربلا های بسیار دیگر خواهیم بود.

فـردای سـنگ هـا

عبدالاحد تارشی



ای مسجد اسیر
ای پیکر مطهر زیبا ترین نماز
ای قامت مقدس بالاترین قیام
ای صورت مجسم عالی ترین سجود
ای چهرهء منور روشن ترین دعا
هرچند این اسارت سنگین دیرپای
زنجیر پای هستی قدسی سرشت توست
دامی زجورو وحشت ودام دگر ز یأس
پیچیده گرد پا وسر سرنوشت توست
هرچند خون داغ تداوم بود روان
درشهرگ شهادت بی انتهای تو
دیوار زخم را نتواند کند عبور
هرچند تاب وطاقت درد آشنای تو
می بینمت مگر
ازبین کوچه های شرار وسرشک ودرد
با زیر پا گذاشتن ازدحام مرگ
در جستجوی بودن بی انقطاع خویش
افتاده یی براه
نعش بخون غنوده ء صد ها نماز را
اجساد سجده را ودعا ونیاز را
کاندر حریم تو
در زیر پای لشکر دجال له شدند
بر دوش می کشی
تابوت کهکشانی وصد ها شهید را
از نسل آفتاب در آغوش می کشی
***
ای مسجد اسیر
ای مادر ستم زدهء کودکان سنگ
می بینمت جنازهء اطفال خویشتن
بر کف نهاده یی
وز تنگ راه کور سیاست که هیچگه
از وسعت عبور مصمم ترین نجات
گامی نکرده وام
سوی دیار حضرت صاحب فخامه ها
در ره فتاده یی
***
می بینمت که قامت خونین ناله ات
هر لحظه بر عروج دگر پای می نهد
با آنکه خسته گشته دگر زیر بارزخم
بر قلهء لجوج دگر پای می نهد
تامی رسد به کاخ بلند " جلا له ها"
تا می رسد به قصر فخیم " فخامه ها "
کاخی که با وجود غرور بلند خویش
از پستی تمامت ننگ است پست تر
قصری که گرچه رفعت صدق است ظاهرش
از ژرفنای خدعه ورنگ است پست تر
***
می بینمت که دست طلب می کنی دراز
دستی زقلب مام فلسطین شکسته تر
می ریزی التماس غم انگیز " الجهاد "
در گوش های از دل ابلیس بسته تر

***
فریاد می کشی :
یا صاحب الجلا له ویا سید الرئیس !
من روح کودکان شهید شماستم
من قلب مادران اسیر جفاستم
بی من زمان حال شما بی گذشته است
بی من گذشته های شما محو گشته است
گر من چو آفتاب نتابم به حال تان
آینده های تان نشود هیچگه برون
از انجماد مرگ
بر گردن تنفس تان قید بردگی
امضای مرگ وبوسهء اعدام می شود
این ذلتی که دام سر وگردن شماست
بهر شما برای ابد نام می شود !
***
گر آب تان زروی وزجو خشک گشته است
باری به نفت زخم مرا شستشو کنید
با خون خلق خویش نمودید غسل ها
باری به آب غیرت وننگی وضو کنید !
***
در آسمان همت جنگنده های تان
پرواز اگر بود
مرغ شکسته بال بخاک اوفتاده یی
یا بی طنین ترین مگس بال بسته یی
وز نیش عنکبوت خطرناک بردگی
در دام پیچ پیچ هلاک اوفتاده یی
بهر خدا به تیر خیانت میفکنید
پرواز را زبال وپر سنگ های ما
بر خاک بی بهار ترین صلح خویشتن
کانجا بلوغ سبزه جز افسانه یی نبود
بهرپرنده های رهایی به شاخ آن
جز آشیان مرگ دگر لانه یی نبود
بهر خدا به کرگس روئین تن عدو
کمتر دهید فرصت پرواز آتشین
در رودبار تشنگی اش سیل نفت را
با سد انجماد نمائید روبرو
کاینگونه می توان
بر چهره های تان
یا صاحب الجلا له ویا سید الرئیس
جاری نمود قطره گکی را زآبرو
***
یا صاحب الجلا له ویا سید الرئیس
این کودکان سنگ
در سنگ زاده گشته ودر سنگ زیستند
سنگ اسارتی که بجز سنگ نشکند
دیوار آهنین قساوت سرشت آن
سنگ اسارتی که نجنباندش زجای
دستان بی شهامت سازش گر شما
تا دستهای سجده گر کودکان قدس
آن را نکرده دور زفرق سرشما

***
ای مسجد اسیر
ای پرسش مداوم پیوسته بی جواب
بازست لیک بر رخ تکرار ناله ات
از حاکمان جور
از حاکمان غدر
دروازهء مکرر یک پاسخ پلید :
صلح است اختیار
صلح است انتخاب
از ما نه بل زحضرت " العم سام " ما
آن مالک الرقاب مدام المدام ما
ای کودکان سنگ
در چنگ ما کبوتر این صلح بی نظیر
آسان نیامده
بهر شکار آن
کاخ سفید را
با ، دام سجده فرش نمودیم بار ها
این گوهر گران
ارزان نیامده
ای کودکان سنگ
ای از تبار فقر
دامان سنگ پرور بی گوهر شما
این سنگ ها به هیچ نیرزند نزد ما
چون کشور شما
بر خاکش افگنید که ما وعده می دهیم
دامان تان زگوهر الفاظ پر کنیم
همچون گذشته ها
از ثروت بیانیه ها باز پر کنیم
ای کودکان سنگ
گرد گلوی مردم ما دستهای مان
روئیده پیچکی بود از ریشهء فشار
یکدم نمی توان
این دستهای مهر ازان حلق ها گرفت
سنگ ترحم از سر این خلق ها گرفت
گر دست های ما
مصروف دور کردن اشک شما شود
آنکه کدام دست بگیرد گلوی خلق
بندد در نجات ورهایی بروی خلق
***
ای مسجد اسیر
از دست های بستهء این خیل چاکران
امید بازکردن زنجیر تو خطاست
زینها که در تسلسل پایا ترین سجود
سوی کنشت غیر
پای نماز خویش به زانو نشانده اند
امید صف کشیدن در مسجد قیام
با قامت کشیده به تکبیر تو ، خطاست
***
ای مسجد اسیر
ای آشیان مرغ سجود پیمبران
ای با اسارت تو همه زندگی اسیر
خورشید وماه وانجم وتابندگی اسیر
محراب عشق وسجده گهء بندگی اسیر
امروز اگر به گردن خونین تو نهد
پای غرور خویش
سنگین ترین جنایت وننگین ترین فریب
برقبر کشتگان تو گر کشت می کند
ابلیس باغ خندهء بی انتهای خویش
فردا به انتها رسد این خنده های شوم
فردا به مرگ" دولت کشتار" سردهند
" کشتاریان عصر" فغان بلند خویش
بینند زیر پای ملل بردگان خود
بینند پاره پاره زصد جا کمند خویش
***
فردای سنگ ها ونه فردای ننگ ها
فردای پاره گشتن زنجیر های توست
فردای صف کشیدن مردان رزم جو
بهر نجات تو
در سنگر قیام به تکبیر های توست

اسرائیل در باتلاق ...

و پیگری راه های خشونت آمیز در برابر رزمندگان حماس که از شکست در جنگ سی وسه روز ۲۰۰۶ در برابر حزب الله لبنان به وجود آمده است بازسازی کند، اما گمان نمی رود که اسرائیل به سان جنگ لبنان ۲۰۰۶ چیزی در این معرکه جدید به دست آورد. اسرائیل در جنگ لبنان یک هزار و هفتاد تا یازده هزارو چهل و پنج نفر از مردم بی دفاع کودکان وزنان را توانست بکشد و بیش از سه هزار و شش صد وسی تن دیگر را مجروح کند ولی در پایان مفتضحانه طمع تلخ شکست را چشید، بیش از صد نظامی کشته داد وبیش از یک هزار و دو صد خانه مسکونی اش ویرانی شد و بیش سی ملیارد دلار خسارت برداشت، و در نتیجه آن دچار بحران سیاسی شد که تا کنون نتوانسته از تبعات آن رهایی یابد.

اسرائیل در جنگ غزه شاید تعداد بیشتری را بتواند بکشد و خانه های بیشتری را ویران کند وتباهی بیشتری به فلسطینان وارد سازد، اما به یقین نمی تواند به اهداف از پیش تعین کرده اش دست یابد.

درروزهای آغازین جنگ لبنان ۲۰۰۶ میشل عون یکی از رهبران مسیحیان این کشور گفته بود، اسرائیل در این جنگ شکست خواهد خورد، زیرا جنگ بر ضد ملت ها در هیچ زمانی و در هیچ جای به پیروزی نرسیده است. شکست افتضاح آمیز اسرائیل در جنگ لبنان برای نخستین بار در تاریخ موجودیت اسرائیل رقم خورد و این بارهم دومین شکست را شاهد خواهد بود.

این درست است که اسرائیل در چندین جنگ برضد چندین دولت عربی فایق آمده است، اما باید دانست که جنگ با دولت ها تا جنگ با ملت ها به سخن میشل عون بسیار تفاوت دارد. اسرائیل شاید بتواند به دلیل کثافت سکانی غزه کسانی زیادی از مردمان رنجدیدهٔ آن دیار را که مدتی مدیدی در محاصرهٔ غذای و بهداشتی سپری کرده اند بکشد، اما اسرائیل به هدف استراتژیک در این جنگ که همانا شکستن اراده ملت مقاوم فلسطین است، نایل نخواهد آمدبلکه مردم فلسطین پیش از پیش به رزمندگان حماس و رهبری آن تمسک خواهند جست و شدت داد خواهی شان در برابر اسرائیل فزونی خواهد گرفت، آنچه برای حزب الله در پی جنگ لبنان دست داد.

اعلامیه جمعیت اسلامی ...

بی تردید این جنایات اسرائیل را جز تروریسم دولتی نمی توان خواند، جهان در حالی که مبارزه علیه تروریسم را برای صلح و امنیت جهانی لازم می انگارد، بسیار بایسته است که این جنایات اسرائیل را به عنوان اعمال تروریستی و جنایت ضدبشری بشناسد و با تقبیح آن، اسرائیل را به اجتناب از تکرار آن وا دارد.

ما در حالی که این جنایات اسرائیل را برضد ملت مظلوم فلسطین تقبیح می کنیم از دولت جمهوری اسلامی افغانستان می خواهیم رسماً این جنایات اسرائیل را محکوم کند و از راه های ممکن در جهت یاری مردم ستمدیدهٔ غزه برخیزد و از جامعهٔ جهانی، سازمان ملل متحد و سازمان کشورهای اسلامی و کشورهای عربی می خواهیم که همه در جهت برسرجای نشاندن اسرائیل و یاری ملت مظلوم فلسطین بسیج شوند، به حملات تروریستی اسرائیل برضد فلسطینیان و به سیاست های غیر انسانی آن در محاصرهٔ اقتصادی غزه و در گرسنگی و بی دارویی قرار دادن مردم رنجدیدهٔ آن پایان بخشند.

و السلام علیکم ورحمهٔ الله و برکاته

دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان
کابل / افغانستان ۸ جدی ۱۳۸۷



عاشورای کربلا و محرم غزه

پوهنمل سید عنایت الله شاداب / استاد دانشگاه کابل

فریادهای خداباورانه قربانیان تجاوز اسرائیل را هرانسانی که ازطریق مصاحبه های آنان می شنود، علی العجاله بی همتی دولت های عربی وعدم ایمان آنان را به قدرت های معنوی جوشان ملت های درذهن شان تداعی کند.
سربازی های قهرمانانه جانبازانه فدائیان ملت مظلوم فلسطین دررأس شان حماس

دربرابر تجاوزبیرحمانه اسرائیل که ازطریق طیارات F16صورت می پذیرد، باوصف همه محاصره های اقتصادی ونظامی ...مژده بخش پیروزی ایمان بر آتش وآهن است که شعار برخاسته ازپیروزی حق برباطل را به نمایش می گذارد

سرخ رو عشق غیور از خون او
شوخی این مصرع از مضمون او

تاریخ زندگی بشر، تاریخ خون وشهادت، تاریخ زایش لاله های چمن آفرین حق و عدالت و غارت تندبادهای برخاسته از سیه ابر تفرعن خونخورانه نیروهای جهنمی استبداد و حق کشی هاست.

زندگی بشریت از همان بامدادان آفرینش و شیرازه بندی آن در چارچوب مجموعه های خرد و بزرگ پرده نمایشی است از ذبح ملت های زورستیز و رهبران حق شعار آفاق توسط فرعون ها، قیصرها، سزارها، پرویزها، یزید ها، چنگیزها و غیره.

خردی و بزرگی هررستاخیز عقیدتی و خیزش های اجتماعی را باید در آموزه های مکتبی به جستجو گرفت که از آن ها آبیاری می شوند.و از زندگی چه چهرهٔ را در ذهن رهروان خویش ترسیم می کنند.

سرور شهیدان امام حسین که علامه اقبال شخصیت بزرگوار او را با تعبیرهای "امام عاشقان" و "سروآزاد دبستان رسول" چهره نگاری می کند، با پرورش در دامان پاک مکتب رسالت، آزادی و آزاده زیستن را سرلوحه کتاب زندگی مبارزاتی خویش خواند.

آری! همان گونه که سرور شهیدان، زندگی را با این تعبیر کوتاه و پرمحتوای خویش(إنما الحیاة عقیدة و جهاد) "زندگی جز عقیده و پیکار در راه عقیده چیزی دیگری نیست" در عقیده و مبارزه به نمایش گذاشت، خود به حیث الگو و نمونهٔ این باور برخاسته از آموز های مبارزاتی زندگی ساز خود، خون خویش و خانواده بزرگوارش را، نذر اعلای کملة الله و پاسداری از حریم ارزش های آن، در برابر نظام زور گو و جابر یزید، نمود.

موج خون او چمن ایجاد کرد
تا قیامت قطع استبداد کرد

امام حسین به حیث آغازین طلایه دار جنبش دفاع از حق و مرزهای حکومت حق که به تعبیر علامه اقبال رشته خلافت از قرآن گسیخته بود، زمزمه نابودی زوگویی ها و حق ستیزان را طنین انداز کرده و موضع باطل ستیزی خویش را چه زیبا بیان کرده آن جا که گفت: (هیهات منا الذلة) هیهات که ما ذلت پذیرباشیم.

حضرت حسین با این تعبیر خویش خاموشی در برابر لگدمال کردن ارزش های مکتب اسلام را نمادی از ذلت بخوانش گرفته و دربرابر "دشمنان چون ریگ صحرا لاتعد" یا "دوستان هم عدد یزدان" خویش به پا خاست.

خون او تفسیر این اسرار کرد
ملت خوابیده را بیدار کرد

این خیزش عظیم و سترگ در آغازین دوره تاریخ اسلام، بیانگر آن است که رهروان راه حق و پرورش یافتگان دامان ارزش های اسلام هیچ چیزی را گران تر از آن تلقی نمی کنند که در برابر دیدگان آن ها، نمادها و مظاهر حق به چالش گرفته شود و خاموش باشند، همین است رمز و راز نهفته در این فرموده خداوند که "کشتگان راه خدا را مرده مگویید که زندگانی اند که روزی خویش را در پیشگاه خداوند تناول می کنند"

این گفته مختار رهبر مسلمانان آزادی خواه لیبیا در برابر استعمار گران ایتالوی که گفت:" زندگی من در مرگ من است و مرگ شما در زندگی شماست" برخاسته از همین آموزه های اسلامی و قیام حسینی است که امروز بیش از یک میلیارد مسلمان یاد آن قیام را گرامی میدارند و به یاد مظلومیت شهدای کربلا اشک می ریزند.

عشق را آرام جان حریت است
ناقه این ساربان حریت است

و اما محرم غزه ازطریق رسانه های تصویری آزاد دربرابر وجدان های بیدار انسانی به نمایش گذاشته می شود، تصویری است ازحق جویی های که یک ملت بیدفاع ومظلوم دربرابرتجاوزهای اسرائیل و حامیان آن. تصویرآن دو برادرنوجوان سربرآمده ازکفن و تصویر زنان و مردان و تکه و پارچه غزه وبیجامانده ازبمباران وحشیانه نیروهای هوایی اسرائیل ومقاومت جانبازان پیش مرگان حماس ومصاحبه های غیورانه خانواده های شهیدداده درغزه یاد آورهمان شعرزیبای سرورشهیدان امام حسین است که می گفت:"هیهات منا الذلة" هیهات که ماذلیل باشیم . آری! غزه با ایمان اسلامی وروحیه ذلت ناپذیری دربرابرنیروهای تجاوزگراسراییل به ملت های مسلمان دررأس ملت های عرب این پیام را می دهد که این قدرت نمایی ها وزورگویی ها ی اسرائیل وحامیان آن خاموش حقارت بار دولت های عربی تعین کننده سرنوشت آینده غزه وفلسطین نبوده وتنها همین مقاومت فلسطین وباشندگان غزه است که آینده این ملت به گذشته اش پیوند می زند ومقاومت امروزی شان سرنوشت سازی آینده آنان دردرازمدت است. یکی از شعارهایی که درمبارزات توده های کشورهای اسلامی وعربی توجه را به خود جلب می کند همان شعار "غزه تموت وعرب سکوت" است . غزه می میرد وعرب خاموش نشسته

فریادهای خداباورانه قربانیان تجاوز اسرائیل را هرانسانی که ازطریق مصاحبه های آنان می شنود ، علی العجاله بی همتی دولت های عربی وعدم ایمان آنان را به قدرت های معنوی جوشان ملت های درذهن شان تداعی می کند.

سربازی های قهرمانانه جانبازانه فدائیان ملت مظلوم فلسطین دررأس شان حماس دربرابرتجاوزبیرحمانه اسرائیل که ازطریق طیارات F16صورت می پذیرد ، باوصف همه محاصره های اقتصادی ونظامی ...مژده بخش پیروزی ایمان برآتش وآهن است که شعار برخاسته ازپیروزی حق برباطل را به نمایش می گذارد "باطل نابود شدنی است" مقاومت دلیرانه وصبورانه وثبات ملت مسلمان وقهرمان فلسطین به رهبری حماس ودادن ده ها شهید در هرروز دردفاع ازقبله اول مسلمانان نمادی منحصر به فردی ازحادثه جانگدازکربلا است که برای دفاع ازحق وجلوگیری ازمسخ چهره اسلام وتبدیل شدن آن به دین توجیه گرانحراف متولیان زورگووسرکوب گران داعیان راه حق وتجلی آرمان های عدالت خواهانه درچارچوب آموزه ها ی دوران ساز اسلامی صورت پذیرفته وشعار"کل یوم عاشورا" را به "کل ساعة عاشورا" تبدیل کرد ه وشهادت نوباوه ها ی نورسته غزه شهادت علی اصغر را به تمثیل می گیرد.

پیام امروزین غزه درین محرم به همه ملت های مسلمان دربند زعامت های فاسد وفاقد شهامت جنبش ها ی آزادی بخش که درسراسر جهان درزیر چکمه ها استبداد ، بسر می برندهمانا مقاومت است ومقاومت. مقاومت دربرابر زورگویی ها ، مقاومت دربرابر جنگ نابرابرارزشی واتومی تمدن ها.

تغییر؛ پدیده یی که به آن اعتماد داشته باشیم

از: نجیب الله ضیا

به یاد باید داشت اگر آتشی را که از قندهار و هلمند تا کابل ومتعاقباً جانب شمال زبانه می کشد، نابخردانه وباهدف سوء شعله ورکنیم ، آنگاه با امواج توفنده بعدی روبرو خواهیم شد که در بسیاری از شهر ها وحشت قیصار،قزل آباد و یکاولنگ تکرار خواهد شد و مردم شاهد روزهای تلخ و خونبار دیگری خواهند بود که نسل های بعدی با کمال شرمساری بدان تا قرن های بعدی خواهندگریست.



انتخابات

برای برگزاری دومین دور انتخابات ریاست جمهوری افغانستان چند ماهی بیشتر باقی نمانده است. طوری که به ملاحظه می رسد ، تب و تاب معرفی کاندیداها در افغانستان شدت گرفته است. جناح های وابسته به چپ و راست در کشور، هرکدام در این عرصه به بخت آزمایی و سبک و سنگین کردن شرایط موجود هستند. امروز، همهء جناح ها در صدد آن اند که چگونه با دستچین کردن کاندید ها و عبور دادن آنها از فیلترهای متعدد، تظاهر به دموکراسی بکنند و در میدان سیاست کسب مشروعیت نمایند. عده ای هم طبق معمول می کوشند تا از ورود آزادیخواهان، اندیشمندان و دگر اندیشان به مقامات مهم اجرائی جلوگیری نموده و از این طریق به اقتدار خودکامانه تک ملیتی خویش ادامه دهند و به جای توسعه اقتصادی و افزایش درآمد ملی ، بی باکانه دست به ریخت و پاش بزنند . ازسر مایه ملی بخورند و به وابستگان وهمتباران خویش بخورانند و ضمن گسترش فساد باعث رکود و توقف شریان اقتصادی شوند!

کاندید یا کاندیدانی که در راس حاکمیت فعلی قرار دارند ، این بار نباید بتوانند از هر ترفندی برای کشاندن مردم به پای صندوقهای رای بهره ببرند و انتخابات را به انتصابات تبدیل نموده . به حاکمیت خویش مشروعیت دمکراتیک بخشند! انتخابات باید – آن چنانکه از نامش پیداست – امکان انتخاب را برای تمام مردم مطابق با خواست واراده آنها فراهم نماید.

لازمه های مبرم ونیازهای اولیه واساسی انتخابات ، لزوم شفافیت درآن است . بناءخواست وارادهٔ همگانی بالاخص ملیت های مظلوم کشور اینست که شفافیت و سلامت برگزاری انتخابات از هر حیث باید مدنظر گرفته شود، شفافیت چه در اجرای قانون انتخابات و بی طرفی کامل حکومت و چه در وجود حاکمیت مرجع قضایی مستقل بر تصمیم های هیات نظارت و استقلال کامل این هیات از گرایش های سیاسی بر انتخابات و نیز سلامت از حیث شمارش آراء، تائید و ابطال صندوق ها و حوزه ها را نیز باید شامل شود. اما تجربهء انتخابات قبلی نشان می دهد که مشارکت مردم این بار در انتخاباتی که به منظور فریب آنان برگزار می گردد، کم رنگتر نسبت به گذشته خواهد بود.چون دوران ریاست جمهوری آقای کرزی ثابت کرده است که انتخابات نمی‌تواند تأثیری بر دمکراتیزه کردن کشور و قوانین داشته باشد.مردم آگاه و هوشیار افغانستان در انتخابات گذشته این واقعیات را به خوبی تجربه کرده‌اند. بدین سبب فریب ترفندها و تبلیغات را نخواهند خورد و در انتخاباتی شرکت نخواهند ورزید که تهدید و تطمیع و تقلب به حق رای مردم وجود داشته باشد.

فرصت انتخابات

مردم افغانستان با توجه به تجربیات تلخی که طی دوونیم قرن از حکومت های خودکامهء فاشیستی وبرتری خواه اندوخته اند . مشتاقانه می خواهند تا فرصت انتخابات را شرایطی مناسب و کم خطر برای مقابله با زورگویان تشخیص داده و با هوش و درایت تاریخی، خواست های خویش را

در انتخابات به کرسی مراد بنشانند

امروز که کشور ما زیر چتر حمایت وپشتیبانی جهانیان قرار دارد ، مردم جداً خوهان آن می باشند تا متعاقب گزینش زعامت آینده کشور ، دسایس و معامله گری های کنونی تکرار نشود ، معامله گری ها وفتنه آفرینی هایی که به وضوح دیده.می شود. به منظور تحقق فرقه گرایی های قومی ومحروم ساختن ملیت های دیگرراه می افتد و تلاش های وسیعی به خرج داده می شود تا پای مذاکرات پنهانی وسازش درضدیت با دیگرملیت ها به میان کشیده شود. مگرنه چنان است، کارهای رئیس جمهوری و حلقات نزدیک به او- که تلاش ورزیدند تا با

و مدافع حاکمیت ملی می توانند واکنش مثبت مردم را به نوعی برانگیزد که بحرانهای عمیق خارجی وداخلی راپاسخگو باشد.

به یاد باید داشت اگر آتشی را که از قندهار و هلمند تا کابل ومتعاقباً جانب شمال زبانه می کشد ، نابخردانه وباهدف سوء شعله ورکنیم ، آنگاه با امواج توفنده بعدی روبرو خواهیم شد که در بسیاری از شهر ها وحشت قیصار،قزل آباد و یکاولنگ تکرار خواهد شد و مردم شاهد روزهای تلخ و خونبار دیگری خواهند بود که نسل های بعدی با کمال شرمساری بدان تا قرن های بعدی خواهندگریست.

انتخابات را احساس کنند و درک کنند که انتخابات آنها انتصابات نیست و اطمینان داشته باشند که قدرت در دست عده ای خاصی یعنی بدون این که همه ی مردم در آن مشارکت داشته باشند، قرار ندارد و مدیریت بر اساس شایسته سالاری وبراساس ضابطه است، نه براساس رابطه! همان طوریکه بارک اوباما تاریخ آفرید، رئیس جمهور آینده ما نیز تاریخ بیافریند.افغانستان هم بار دیگر تاریخ سازشود. مردم افغانستان هم باید به تغییرات باور داشته باشند، از تاریخ پنهان نشوند، تاریخ بسازند؛ همانگونه که پیروزی اوباما بنیاد ذهنیت های تبعیض گرایانه را در سراسر جهان از بنیاد به لرزه درآورد و درامریکا ویرانش

برای بهره برداری ازمذاکرات با طالبان جهت رسیدن به اهداف فاشیستی قومی و راه اندازی تخلفات و رای دزدی ها از صندوقهای رأی مردم و استفاده از جو تنش ها و انحصار طلبی های قومی زیرعنوان اکثریت و قبولاندن قومی به نام اکثریت !!! ووانمود ساختن دیگران به عنوان اقلیت و... درمبارزات انتخاباتی به سر رسیده و نقطه پایان بر آن گذاشته شده است.

دولت آقای کرزی با عقاید قبیله گرایی و نفوذ عوامل و دولتهای بیگانه مردم افغانستان را در وضعیت دشواری بیش از هر زمان دیگر قرار داده است. اول، نارضایتی های اقتصادی و سیاسی مردم ازعملکرد هفت ساله آنهاست، دوم نارضایتی فرهنگی آنها به علت محوریت و مرکزیت نژادی که رابطه دولت را با تمامی قومیتها و اقلیت ها تحت تاثیر قرار داده است . مردم افغانستان تجربه‌ی تلخ حاکمیت کرزی را پشت سر گذاشته‌اند. اکنون آنعده مردان ومدافعین وطن که دیروز درد وعذاب اشغالگران پاکستانی ولشکراجیرطالبی و تروریستی آنرا درنجات ناموس میهن تحمل کرده بودند، امروز نیزبه مثابه پرچمداران مبارزه علیه رژیم فاشیستی طالبان و القاعده این افتخار را نصیب خود کنندکه با اتکا به مبارزه‌ی پیگیر در راه تحقق حقوق ملی ، کسب آزادی، استقرار دمکراسی و احترام به حقوق بشر در انتخابات ریاست جمهوری، آگاهانه و هوشیارانه عمل نموده و پیام روشن و شفاف خود را بیان و موضع شایسته و تصمیم بجای خود را اتخاذ کنند.

گسترش سایه طالبان درمناطق مختلف وطن به حیث یک وسیله فشاروکسب امتیازاتٌ قومی استفاده نمایند و آنها را به گروه قدرتمند در عرصه سیاسی- نظامی کشور تبدیل نمایند؟. همچنان طوری که معلوم است پاداش حضور مردم در انتخابات قبلی نه تنها خیلی کم ، بلکه به عقیده بسیاری ، منفی بود و به نفی گسترده حقوق اساسی و شهروندی آنها انجامید.بناء این بار مردم درد سر رای دادن را به خود نخواهند دادکه منجر به ایجاد چنین زمینه وپیامد ناگوار وزهرآلود گردد.

پس قبل از اینکه شکافهای موجود اجتماعی ، مصایب ونارسایی های حاکم درکشور ، بیشتر ازاین فاجعه به بار آورد و تحمیل اراده قهری ولو اندک بر بقیه مردم به بحران عمیقتر تبدیل گردد ، اندکی باید فکر و نقش وحدت برای گزینش بخش رئیس جمهورآینده را برازنده ساخت.

هرگاه انتخابات پیشرو نتواند هیچ تغییری در هرم قدرت ایجاد کند ، مسلماً موضوع چیزی بیش از یک امر تشریفاتی نخواهد بود. وقتی حمایتهای شبه قانونی و فزیکی ومالی و ارتباطی و مناصب کلیدی فقط در دسترس افرادی از یک قوم ویژه با شد و برای معرفی چهره هائی خاص از مدتها قبل تلویزیون ها بسیج شده باشند.

حق شرکت در انتخابات یا نامزدی برای تصدی سمتهای انتخابی چه ارزشی دارد ؟ پس دقت باید کرد که افغانستان به یکی از حساس ترین لحظات تاریخی خویش نزدیک شده است که فقط رهبران دانا، دلسوز ، با تجربه ،شجاع، میهن دوست ودارای آمادگی ذهنی و مهمتر از همه آزادیخواه

تغییری که ما به آن نیاز داریم

هفت سال پیش جامعه جهانی افغانستان را با ساقط نمودن طالبان از عرصه سیاسی به دولت موقت سپرد. مردم ما و نیرو های بین المللی در حالی که شاهد فروپاشی قدرت سیاسی و نظامی طالبان بودند، با پرداخت هزینه های هنگفت و قربانی ، اکنون با کمال تاسف شاهد حضور دوباره همان گروهی اند که از بدو ظهور تا حال با ارزش ها مخالفت و دشمنی کرده اند . متاسفانه دامنه این فاجعه چنان گسترش یا فته که هیچ روزی نیست که مردم کشور شاهد وقوع حملات تروریستی این گروه نباشند.

این مساله تنها محصول قدرت طالبان نیست، بلکه نتیجه ضعف دولت وتلاش تعدادی از اعضای تیم کرزی است که امروزکشوررا چنان آشفته، جنایت پرور و طالب پذیروفساد آلود ساخته است که بدبختانه تصورآن به هیچ ذهنی سازگاری ندارد.

دوره هفت سال ریاست آقای کرزی دوره ای بود که در سطح سیاست افغانستان آنچه به چشم می خورد ، رکود بود و یأس و نومیدی . البته حوادث مختلفی در این دوره رخ داد که نقد و بررسی آنها خارج از موضوع جستارکنونی ما می باشد.

باوجود رکود مطلق سیاسی در افغانستان، در عمق افکار مردم ما چیز دیگری می گذرد. آنها از نوع و سیستم بسته حکومتی درکشورسخت به تنگ آمده اند و چشم انتظار تغییر بنیادی می باشند. تغییری که بتواند مردم را به همدلی وهمنوایی بیشتری با حاکمان وتن دادن به واقعیت وا دارد و آنها را منزه به پاسخگویی نماید : مردم آزادی

کرد. پیروزی فرد منتخب درانتخابات آینده کشور ویرانهٔ ما نیز باید بنیاد قبیله گرایی وحس فاشیستی را در افغانستان فرو بریزد وآنرا ازریشه برکند. ما نیز با اراده متین و ایمان خلل ناپذیر تا پیروزی حق و برابری علیه زورگویی، خود برتربینی، نژاد پرستی، و برترجویی ها پیش برویم، تا در یابیم که برای رئیس جمهورشدن و رسیدن به رهبری یک جامعهء انسانی، رنگ و پوست وقبیله و... نمی تواند معیار باشد، بلکه معیار لیاقت، درایت، دانش، اراده و قلبی خالی از تعصب و تبعیض و کینه نسبت به بشریت وهمنوعان وکلیه شهروندان است.

خواست تمام ملیت ها در افغانستان عدالت و هویت طلبی است. هر یک از این ملیت ها بخشی از جامعه‌ی بزرگ افغانستان را تشکیل می دهند. اصولاً اکثریت این مردم برعلاوهٔ که با خشونت مخالف اند ، جداً آرزو دارند و قلباً دوست دارند تا در چارچوب کشوری به نام افغانستان به حقوق خودشان نایل آیند.

اگر این مسایل را حل کنیم و به دادن حق هر یک ازملیت های کشورتن در دهیم وبه خواست مسلم وقابل تادیهٔ آنها ارزش و بهایی قایل شویم ، مشکلات آینده ی مملکت ما تا حدود زیادی حل خواهد شد . در غیر این صورت همواره ما جامعه ای پرتنش خواهیم داشت که امکان توسعه از آن کاملا سلب خواهد شد.

عدم اعتماد مردم به دموکراسی قبیلوی وآزادی انتخابات بعدی شفافترین وآشکارترین پیامی است که به متفکران قومگرا داده می شودو اینکه : زمان امید بستن به برنامه هایی

ملیت های محروم کشورما سالها ست که ظلم و ستم حکومت های تک قومی فاشیستی و سیاست تبعیض را احساس و طعم تلخ آن را عمیقا چشیده اند. از این رو دیگر سیاست فریبکارانه، لبخند خدعه آلود و دروغین هیچکدام از نامزدهای ریاست جمهوری را که وابسته به دسته و گروه قبیله گرا باشد ، نخواهند خورد و به هیچ گروه اجازه نخواهند داد تا از احساسات پاک ملی این مردم سوء استفاده به عمل آید.

ما آرمان مشترکی در این سرزمین داریم ؛ ما دردهای مشترک اجتماعی، فرهنگی، سیاسی واقتصادی داریم که متعلق به همه ی ماست و همچنان ما آرمان ها و هدف های مشترکی را نیز در این سرزمین آزموده ایم وپشت سر گذاشته ایم.

لذا تا زمانی که این پروسه بر مبنای صحیح قرار نگیرد و برابری حقوق شهروندی و قومی تحقق نپذیرد جامعه کثیر الملیت افغانستان روی عدالت و دموکراسی را نخواهد دید

ما اگرخواهان صلح و ثبات دایمی در سرزمین مشترک مان باشیم ، جامعه‌ی افغانستان را نباید بر مبنای یک زبان یا یک نژاد یا یک مذهب تعریف کنیم. هویت جامعه‌ی افغانستان را باید بر مبنای مفاهیم نوین و همگام با دنیای متحول کنونی تعریف کنیم. این جامعه باید بر اساس کثرت قومی، کثرت فرهنگی، جامعه‌ی مدنی ، دموکراسی و همانند اینها تعریف شود.

آری ، ما به چنین تغییر نیازجدی ومبرم داریم . پدیده یی که ما به آن اعتماد وباور کامل داریم .

دهند او پاکستان ترمينځه...

بنـي شـوي وي خـو د بمبايي له پيښې سره يو ځل بيا دهند او پاکستان ترمينځه د"کارګل" د هغې پيښې وضع تکرار شوه چې يو شميرکشميري مجاهدينو د هند اوپاکستان په پوله دهند په خاوره کې دغه لوړه سيمه ونيوله او ترهغې تړې نه راکوزيده څو چې د امريکې په مداخلت د پاکستان له خوا ورته د کوزيدو اشاره وشو.

خو اوس مهال ددواړو هيوادونو ترمينځه تربل هر وخت حالات ډير ترينګلي دي او د هند دولت غواړي ترڅو چې پاکستان په پيښه کې تورن کسان چې د هندي دولت د ادعا له مخي د لشکر طيبه له ګوند سره تړاولري- و نه سپاري خپل ځواکونه به له پولې څخه ليرې نکړي. مګر د پاکستاني دولت دريځ بيا دادي چې دوي جګړه نه غواړي خو که پرې وتپل شي نو بيا په پوره توان يې دفاع کوي. ښکاره خبره ده چې د هند دغه دريځ په پاکستان يو لوي فشار دی. ځکه د پاکستان هيواد له دغه ګواښ پرته د افغانستان سره په ګډه پوله او قبايلي سيموکې د هغو اورپکوله ګواښ سره هم دي چې له يوي خوا افغانستان ته راوړي او له بلي خوا د سرحدي ولايت په ځينو سيمو لکه باجور، خيبر او مومند ايجنسيو او په ځانګړي توګه جنوبي وزيرستان کې پراخه نفوذ لري چې په سيمه کې د ناټو ځواکونو او په ځانګړ توګه د امريکايي بې پيلوته طيارو لخوا هم پرې وخت نا وخته توغندي ورکول کيږي چې په تيرعيسوي کال کې د بې پيلوته امريکايي طيارو لخوا پري د ۳۰ ځلی حملې شوي او د نوي عيسوي کال په لومړۍ ورځ پرې هم د جنوبي وزيرستان "چاريکوټ" په سيمه کې يوه نوې حمله وشوه اوپه موټر کې ناست پينځه اورپکو پکې- چې د منځنۍ اسيا د هيوادونو سره تړاولرونکي ؤ - خپل ژوند له لاسه ورکړ د تيرعيسوي کال په وروستيو کې اسلام آباد د"ماريوټ" هوټل پيښه چې د ځينو شننونکوله نظره د بمبايي د وروسته پيښې سره ورته ده او وئيل کيږي چې پکې تند لارو هندوانو لاس لرلو کې څه هم د همدي پيښې څخه يوه ورځ د مخه هڅه د امريکايي ځانګړي



بنی شوي وي خو د بمبايي له پيښې سره يو ځل بيا دهند او پاکستان ترمينځه د"کارګل" د هغې پيښې وضع تکرار شوه چې يو شميرکشميري مجاهدينو د هند اوپاکستان په پوله دهند په خاوره کې دغه لوړه سيمه ونيوله او ترهغې تړې نه راکوزيده څو چې د امريکې په مداخلت د پاکستان له خوا ورته د کوزيدو اشاره وشو

فورس ورتګ هم تحليل غواړي. د بمبايي د هغه پيښې سره ورته او ښايي تړاولرونکي وي چې د هندوستان يوولسم سپتمبر بللی کيږي.

دا چې د دواړو هيوادونو ترمينځ موجود تاوتريخوالی به کله ختم شي؟ خو تردامهاله هر شيبه د دواړو هيوادونو ترمينځه د جګړې احتمال شته. که څه هم د معمول په ځير د ۲۰۰۹ ميلادي کال په راتګ کيدوسره ددواړو هيوادونو ترمينځه د اتومي او ذروی وسلو د لستونو تبادله چې هر کال يې کوی په ښه فضا که تر سره شوه چې دا کار د روان کړکيچ او تاوتريخوالي پرمهال له يوې خوا ښايي د حالاتو د رغښت په لوری شاره کوونکي وی اوبلې خو يې چې د احتمالي راروانې جګړې لپاره له اوسه د اتومي وسلو دنه ستعمال په نيت حتيت ضي تدابيروي، چې له بل هر کال او وخت څخه يې اوس ارتيا ډيره ليدل کيږي

د دغه دوړو هيوادونو ترمينځه موجوده تاوتريخوالي کچه د دواړو هيوادنو د چارواکو په توپيري دريځونو کې هم داسې تفسير ويني چې ښايي دواړه لوری د بې مسؤوليته څرګندونونه کولو له مخې جګړې ته ليواله نشي، ځکه که وينو چې د هندولسمشر من موهن سينګ تعرضي دريځ لري او پاکستان چارواکي زرداري او يوسف رضا ګيلاني بيا نرم، چې په عوض يې پوخې ولسمشر مشرف بيا سره ددي چې له واکه ګوښه کيدو وروسته تريوه کاله هيڅ سياسي فعاليت حق د پاکستان د اساسي قانون له مخې نلري - تند او پخوانی پوخي لهجه کاروي. همداسې دهند د بهرنيو چارو وزير پرناب مکر چې هم در نرم او بې مسؤوليته لهجې لرونکی وي. خو د مدعي ست و ګواه چست په ځير د بمبايي پدې پيښه کې امريکا او روپه يې نړۍ ډيرګرم رول لوبوي چې ښايي په سيمه کې د نوې امريکايي ستراتژۍ رتيب پدې کې وي

د فلسطين په بی دفاع ولس پر له پسی...

ځکه دا خو امريکا ده چې د اسرائيلو د هر ډول مظالمو سره يې تر شا ولاړه ده او د فلسطين د رواني تاريخي ستونزې په هکله چې کله هم کوم داسې پريکړه ليک د ملګرو ملتونو اسمبلۍ او يا د امنيت شورا ته تللی .چې په کې د فلسطين د خلکو په ګټه کومه خبره شوې وي . نو سملاسي يې ويټو کړی. چې په دې ترتيب يې، له نږدې څه د پاسه نيمه پيړۍ راهيسې ټول د فلسطيني مسلمان ولس پرخلاف د صهيونستي رژيم ملاتړ ته په ادامه ورکولو سره، د اسرائيلو متوليتوب کړيدی.

مګر افسوس د عربي او اسلامي نړۍ د چارواکو په هغه مرګوني چوپتيا او يا بزدلانه دريځونو خپلولو دی چې ټول د اسرائيلو او د هغې ترشا ولاړې ترهګرې امريکا پرخلاف خبره نشي کولای. لکه چې په دې لړ کې له يوې خوا د مصري واکمن حسني مبارک هغه دريځ دی چې له يوې اوني رواني سختې بمبارۍ په نتيجه کې د مصر په سرحد ولاړو لګونو بې دفاع او بې وزله فلسطينيانو پر وړاندې يې لاسر وسه سرحد ترلی چې لامه يې غذايي مرستې هم نه رسيږي او د لبنان شيعه مشر حسن نصر الله له غوښتنې يې انکار کړی چې مصر بايد له غزې سره خپل سرحد پرانيزي. نو څه شوه عربي ورورولي؟ او په اسلامي کنفرانس کې اسلامي ترون؟ همدا رنګه له بل پلوه د بشر حقونو نړيوالې اداري هم، لکه په هديره کې آذان، يوازې په دې چيغو اکتفاء کړي چې غذايي مرستې بايد ورسيږي څو اقتصادي کلابندي ختمه شي. نو پوښتنه داده چې عربي او اسلامي ورورولی تر دا مهاله څه وکړل؟ آيا د فلسطين د مسلمان ولس او د انبياؤ د تاتوبي خاوري (فلسطين) په هکله - چې په حقيقت کې دغه قضيه دټول اسلامي امت مسئله ده- د اسلامي نړۍ چارواکي څه مسؤوليتونه لري که نه؟

زموږ د هيواد د بهرنيو چارو وزارت خو وايي چې بمبارۍ او ظلمونه دې بند شي. جګړه د حل لياره نده. او د افغانستان دولت د "محمود عباس" له حکومت سره ولاړ دی. چې دا پخپله يو عجيبه منطق دی! ځکه زموږ وزارت له دې هم خبر ندی چې د محمود عباس ولسمشري خو د يوې داسې ملي مصالحې په نتيجه کې منل شوې وه چې د سعودي چارواکو په وساطت په کې د حماس و الفتح د غورځنګونو ترمنځ په يو داسې حکومت اتفاق شوی ؤ چې مشر (صدر اعظم) به يې "اسماعيل هنيه" وي او په کې د حماس ګوند د خپلې ظرفيت پراخې له مخې د څو آزادو او بې پرې شخصيتونو په شمول د الفتح ګوند ته هم برخه ورکړې وه او په کابينه کې يې له خان سره د الفتح شرکت منلی و.

په داسې حال کې چې د نړۍ د قوانينو له مخې حکومت جوړونه د انتخاباتو ګټونکي ګوند حق وي او هغه حماس ؤ چې د فلسطين ولس ورته خپلې رايې ورکړې وې، خو د دموکراسۍ ضوضيان ښايي دموکراسۍ ته هم موسمي تعريفونه کوي!

نو چې کله د "محمود عباس" ګوند د اسرائيلو او امريکا په اشاره د فلسطين دننه اخ و ډب پيل کړو او د داخلي اغتشاشاتو په راولاړولو سره يې د غزې خلکو د هغه امنيتي ځواکونه و ويستل نو بيا يې دا حق له کومه کړ چې په تفاهم سره د راغلي ولسمشر په توګه د تفاهم بله ډله په خپله خوښه له واکه ګوښه اعلانوي او د "اسماعيل هنيه" حکومت رنګوي. دا خو د هغه چا حالت ته ورته خبره ده چې چا په کلي کې نه پرېښوده او ده وئيل چې اس مې د خان کره وتړئ. فلسطيني ولس خو د الفتح ګوند رد کړی ؤ او د حماس په حق کې يې پريکړه کړې وه. نو نه پوهيږم چې د "سپنتا" صاحب خواخوږي د محمود عباس سره له کومه لامله ده ښايي د دواړو حالت يو وي. ځکه لکه چې له نومووړي څخه د افغانستان پارلمان د باور رايه واخسته او بيا هم وزير دی! د سې حالت د "الفتح" د ګوند و "محمود عباس" هم دی. روپه يې دوستان دې ژوندي وي! که سندد اکبر هم کوم جرمني دوست درلودی نو نن به هغه هم د ده په ځير د امر غوښتنې ورسره وي ويه

دوهمه پوښتنه مو دا ده چې ترهګری. خو تر اوسه تعريف پيدا نکړ خو د بشر د کلمې تعريف په کوم قاموس کې وګورو؟ چې ايا فلسطينی مسلمان بشر دي او که نه؟ د ويټو واک لرونکي هېوادونه ښايي د تعريفونو کولو حق هم ولري! په روانه نابرابره جګړه کې چې د چاړه په لاس قصاب او پسه د سولې خبره په کې مطرح ده، امريکا کله اسرائيلو ته هم مخ ګرځولی دی؟ هغه چې په سيمه کې د يو شيطاني محور په توګه ټول منځني ختيځ او په ځانګړي توګه د فلسطين بې ګناه او بې دفاع ولس او يا عربي نړۍ ته ګواښ دی! فکر کړی، چې د لنډې فاصلې د توغنديو ځواب په کوم انساني منطق کې دګنې ګوڼې په ولس ميشتو ښاري سيمو باندې په ړندو بمباريو کولو جواز لری؟

يوه ډز ښکار شوؤ يوه ډول مرغ نو کې به نن يو حلال او بل حرام نه وي! زموږ د بهرنيو چارو وزارت په هېوادونو کې د تاريخي پس منظر نه هم خان نه خبروي. او لا تر اوسه په دې نه پوهيږي چې محمود عباس خو په فلسطين کې د اسرائيلو او امريکا د سفير رول لوبوي؟

دوهمه پوښتنه مو دا ده چې ترهګری، خو تر اوسه تعريف پيدا نکړ خو د بشر د کلمې تعريف په کوم قاموس کې وګورو؟ چې ايا فلسطيني مسلمان بشر دی او که نه؟ د ويټو واک لرونکي هېوادونه ښايي د تعريفونو کولو حق هم ولري! په روانه نابرابره جګړه کې چې د چاړه په لاس قصاب او پسه د سولې خبره په کې مطرح ده. امريکا کله اسرائيلو ته هم مخ ګرځولی دی؟ هغه چې په سيمه کې د يو شيطاني محور په توګه ټول منځني ختيځ او په ځانګړي توګه د فلسطين بې ګناه او بې دفاع ولس او يا عربي نړۍ ته ګواښ دی! فکر کړی، چې د لنډې فاصلې د توغنديو ځواب په کوم انساني منطق کې د ګڼې ګوڼې په ولس ميشتو ښاري سيمو باندې په ړندو بمباريو کولو جواز لري؟

او د تير کال د جون په مياشت کې د سعودي چارواکو په منځګړيتوب د فلسطين او اسرائيلو ترمينځه د شپږو مياشتو راهيسې اوربند خو .چې په طبيعي توګه نور ختم شو- څو ځلې پخپله اسرائيلو مات کړی ؤ چې په هر ځل يې د فلسطيني قيديانو د خوشې کولو وعده کوله او دا چې د رسولو ليارې به نه بندوي. په کوم شرط يې عمل کړی؟ او هم محمود عباس په کوم قانوني حق چې د تفاهم په صورت کې منلی شوی ؤ، لکه د واک يو لوري بل لوري له واکه ګوښه کوی او حکومت يې منحل اعلانوي؟ په داسې حال کې چې ولس واک هم د ټاکنو له ليارې هغه بل لوري (د حماس غورځنګ ته ورکړی وي؟ همدا د نويديځ د دموکراسۍ فرهنګ دی چې د خپلو خانونو لپاره يې غواړي او د اسلامي هېوادونو لپاره بيا ديکتاتوري ته دموکراسي وايي. چې د پاکستان د نظامي واکمن مشرف، محمود عباس او ټول په ټاکنو کې دزغلي کوونکو منفقانو او ته په واک سپارلو خوښ وي

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ سی ام شنبه ١٤ جدی ١٣٨٧- ٦ محرم ١٤٢٩ -

3- January - 2009

شهریان کابل درحمایت ازمردم مظلوم غزه دست به تظاهرات زدند



عنایت

مردم متدین شهرکابل بعدازادای نمازجمعه ، دیروز١٣جدی طی گردهمایی شکوهمندی، جنایات وحشیانه اسرائیل را درنوارغزه محکوم نموده،حمایت خودرا ازمردم مبارزومظلوم فلسطین اعلام نمودند.

دراین همایش مردمی که صدها جوان مسلمان ازسراسرکابل گردهم آمده بودند ،باسردادن شعارهای زنده باد اسلام، مرگ برامریکا ، مرگ براسراییل ، اعمال وحشیانه ونسل کشی آنهارا درفلسطین محکوم نمودند.

مردم ،آدمک بوش رئیس جمهورامریکا وایهود المرت صدراعظم اسرائیل را به دارآویخته پرچم کشورهای یادشده را به آتش کشیدند.

همچنان به سوی آدک بوش ده ها لنگهٔ بوت پرتاب شد ویک جوان آدمک بوش را توسط تفنگچه آماج قرارداد.

این گردهمایی درحمایت از مردم فلسطین درافغانستان، درحالی برگذار می گردد که زیک هفته بدین سو نوارغزه توسط جنگنده های اسرائیل نوع f-16 ، با قساوت تمام بمباردمان می شود.

استواربر آماری که تا به کنون ارایه شده است، درحملات هوایی اسرائیل بیش ازچهارصد نفرازساکنان غزه شهید وهزاران تن زخمی شدند.

قابل یاد آوریست که بیشترکشته شدگان را کودکان وزنان ومردمان ملکی تشکیل میدهند.

د هند او پاکستان ترمنځه

احتمالي جګړه او پاکستان ته ورپیښې ستونزې

رفیق



نږدې یوه میاشت لـه مخه دهند د بمبایې پـه ښارکې پـه ځـو مشهورو هوټلونـو بانـدې د ترهګرو عملیاتو وروسته چې هنـد یـې د پاکستان وراړوي .ددغـو دووګانـویواړیکې لاتراوسه خړې دي.

هنـد ادعا کړیده چې د پیښې د عاملینو د پاکستان دولت سره تړاو دي. پداسې حال کې چې د پاکستان دولت بیا دغه ادعا ردوي او وایې چې هندي چارواکو تراوسه کوم داسې کوټلی ثبوت ندي وړاندی کړي چې پـه پیښـه کې د پاکستان د دولت لاس لرنه په ګوته کړی.

داچې دهند ادعا، ترکومه ځایه صحیح ده، خو هندي دولت وروسته لـه یو لړ تحقیقاتو خپلي قواوې د پکستان سره پولوته رالیږلي او لـه پکستان څخه یـې غوښتنه کړیده چې پاکستني چـرواکې د هند د هغـې ادعـا لـه مخـی یـې د پیښی عـاملین پـه پکستان کې موجود ګڼـي، د هند دولت تـه وسپاري خـو بلـې لـوری تـه د پکستان دولت قوانین اجازه نـه ورکـوي چې خپـل تبعه وګـړي بـل کـوم دولت تـه وسپاري او دهند لخوا د پکستان سرحد تـه د ځواکونو دراغونډیدو د ځواب پـه توګـه یې د خپلو نورو ځواکونو سره سره هغه امنیتي ځواکونـه هـم د هند سره پرتو پولوتـه سوق کـړي چـې د افغانستان او پاکستان پـه ګـډه پولـه د ترهګرو افغانستان تـه دراوښتلو د مخنیو پـه منظور پرتـه و، چې هغـی لـه امله پدې وروستیو کـې زمونږ پـه هیواد کې هم د دولت د مخالفینو حملې زیاتې شوي او امنیتي وضع نوره خرابه شوې ده

د هند او پکستان ترمنځـه اړیکـې د دغـو دوؤ هیوادونـو لـه ویش راهیسی د تل لپاره ترینګلې وي کـه څـه هم پـه موسمي توګـه دیو څـه وخت لپاره پتـي شيء خو دکشمیر پـه سر دتاریخي ستونزې لاملـه دغه دوه تاریخي حریفان تـل یـو بـل تـه سترګې برګـې وي، چې لاملـه خو یې ترمینځه درې ځله جګړه هم شوې ده.

البتـه لـه وروستی جګړې وروسته یـې سفارتې اړیکـی او پـدې وروستیو څـو کلونـوکې یـې دوره اړخیـزې سوداګرې پـه بنیـد اقتصادي اړیکـی هـم، پـه کشمیر کـې د چرار شریف د پیښې، او بیـا د "کارګل" د پیښي لـه وختونو پرته

پاتې په ۷ مخ کې

رویدادهای هفته

تلفات شدید پلیس در کجکی هلمند

شورشیان طالب با یورش بر یک پاسگاه پلیس در منطقه شاه کاریز ولسوالی کجکی ۲۰ تن از افراد پلیس را کشته اند، وزارت امور داخله با انتشار بیانیه یی کشته شدن ۲۰ فرد پلیس را پذیرفته است، تاریخ این حمله پنجشنبه ۱۱ جدی ذکر شده است. در اعلامیه وزارت داخله گفته شده است که جریان برخورد دشمنان با نیروهای امنیتی یک زن نیز کشته شده است. افراد کشته شدن محافظان عبدالسلام ولسوال موسی قلعه بوده اند.

حملهٔ انتحاری در پروان

روز دوشنبه ۹ جدی انتحارکننده یی در مقابل ساختمان ولایت پروان کاروان نیروهای امریکایی را هدف قرارداد که منجر به کشته شدن دوتن و مجروحیت ۱۸ تن غیرنظامی گردید.

گزارش شده است دو تن از سربازان خارجی در این حادثه مجروح شده اند اما منابع رسمی در این مورد چیزی نگفته اند. حزب اسلامی گلبدین حکمتیار مسؤولیت این حمله را به دوش گرفته است.

کشته و مجروح شدن شش عسکر کانادایی در قندهار

نیروهای خارجی روز دوشنبه ۹ جدی با انتشار اعلامیه یی گفته اند که شش تن از سربازان وابسته به این نیروها در ولسوالی پنجوایی ولایت قندهار کشته ومجروح شده اند.

وزارت دفاع کانادا وقوع این رویداد و کشته سربازانش را پذیرفته است، در این حادثه یک ترجمان افغانستانی این نیروها نیز کشته شده است.

کمک اقتصادی چین به افغانستان

سفیر چین در کابل روز سه شنبه ۱۰ جدی دو سند همکاری را با داکتررنگین دادفر سپنتا وزیر امور خارجهٔ افغانستان به امضا رساند.

وزیر امورخارجهٔ کشور بعد از امضای این اسناد به خبرنگاران گفت که چین ۵۰ میلیون ین را در اختیار دولت افغانستان قرار می دهد تا در برنامه های عمرانی از آن استفاده شود به گفتهٔ وزیر خارجه چین همچنان ۳۰ میلیون ین را در قسمت خریدار گندم برای افغانستان کمک می کند.

بازداشت۴۸ مامور پلیس در فراه

محمدیونس رسولی معاون والی فراه روز دوشنبه ۹ جدی از بازداشت ۴۸ ماموریلیس به اتهام دست داشتن در فساد مالی و سایر فعالیت مغایر قانون خبر داده است.

گزارش شده است که یک فرماندهٔ دیگر پلیس که به جرم مشابه متهم بود با ۱۲ تن از افرادش فرار کرده و به گروه طالبان پیوسته است.

در خبرمشابه از ولایت بدخشان گزارش شده است که یک فرمانده مرزی با ۴۰ تن از نیروهایش به کوه متواری شده و تا هنوز تلاش های پلیس به منظور ردیابی این افراد بی نتیجه مانده است.

کشته شدن یازده طالب درسروبی کابل

نیروهای ائتلاف مستقر درافغانستان، ادعا کرده اند که یازده تن از افراد وابسته به حزب اسلامی گلبدین حکمتیار را در ولسوالی سروبی ولایت کابل کشته اند، این نیروها با انتشار بیانیه یی اعلام کرده اند که این افراد را در جریان یک عملیات نظامی به قتل رسانده اند، گفته شده این افراد زمانی کشته شدند که در جریان عملیات نیروهای خارجی می خواستند از یک خانه بیرون شده و به دامنه های کوه فرار نمایند.

کشته شدن هشت شورشی در قندهار

نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا در افغانستان گفته اند که هشت شورشی مسلح را در جریان یک عملیات نظامی در ولایت قندهار کشته اند.

این عملیات در ولسوالی ارغنداب ولایت قندهار صورت گرفته و طی آن، یک فرد مظنون به همکاری با گروه طالبان هم بازداشت شده است.

در اعلامیه یی که از سوی این نیروها منتشر شده آمده است که این افراد در یک رشته بمبگذاری کنار جاده یی و حمله به نیروهای خارجی در ولایت زابل دست داشته اند.